**این جزوه صرفا جهت مباحثات روزانه است**

**باسمه تعالی**

درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری **سه شنبه : 05/11/1395**

**13951105- ثمره وحدت و یا تعدد روایت نسبت به اخبار علاجیه**

**ثمره وحدت و یا تعدد روایت نسبت به اخبار علاجیه**

بحث در این رابطه بود که آیا نسبت به دو روایت، در یک مجلس بودن و یا دو مجلس بودن، تفاوتی را در مساله ایجاد می­کند یا نه؟ عرض شد این مساله دو صورت دارد چرا که یا ما یقین داریم که این دو روایت مربوط به دو مجلس و یا یک مجلس است و یا شک داشته و نمی­دانیم که آیا این دو مربوط به یک مجلس و یا دو مجلس می­باشد. دو فایده عمده­ای[[1]](#footnote-1) در این بحث وجود دارد که یکی نحوه جمع عرفی بین این دو روایت است و فایده دیگر شمول و یا عدم شمول روایات علاجیه نسبت به این دو روایت می­باشد. در جلسات گذشته نسبت به ثمره جمع عرفی در صورت یقین به اتحاد مجلس و یا تعدد مجلس صحبت کردیم و بیان شد که بین اتحاد مجلس و تعدد مجلس، از جهت نحوه اجرای قواعد جمع عرفی تفاوت وجود دارد.

ثمره دیگر بحث نسبت به اخبار علاجیه می­باشد. در صورتی که ما یقین داشته باشیم که دو روایت مربوط به دو مجلس است، آیا این دو روایت مشمول اخبار علاجیه خواهد شد یا نه؟ این ثمره نسبت به اینکه راویان هر دو روایت یکی باشد یا چند نفر، متفاوت خواهد بود؛ زیرا اگر راویان دو نفر باشند، در این صورت چه مجلس واحد باشد و چه مجلس متعدد، از آنجا که **یاتی عنکم الخبران المتعارضان** این دو صورت را نیز در بر­ می­گیرد، اخبار علاجیه شامل این دو روایت خواهد شد. ولی اگر راوی واحد، دو خبر متعارض را نقل کرده باشد (مثل اینکه در یک مورد از ابی بصیر نقل شود که نماز جمعه واجب است اما در مورد دیگری از او نقل گردد که نماز جمعه واجب نیست) در اینجا اگر برای ما مسلم باشد که ابو بصیر این دو خبر را نقل کرده است، مشمول **یاتی عنکم الخبران المتعارضان** خواهد بود. اما اگر اصل روایت ابو بصیر اختلافی باشد، به این صورت که فردی روایت ابی بصیر را به یک صورت و شخص دیگری روایت او را به نحو دیگری بیان کرده باشد، از آنجا که اختلافی در کلام معصوم7­ نیست بلکه اختلاف در کلام ابو بصیر است، کلمه **الخبر** بر آن صادق نشده و مشمول اخبار علاجیه نخواهد بود. زیرا **یاتی عنکم الخبران المتعارضان** در جایی جاری می­شود که کلام معصوم7 به دو صورت نقل شده باشد چه نقل کننده یک نفر و یا چند نفر باشد. ولی در جایی که چند نفر کلام ابو بصیر را به چند صورت نقل کرده باشند، اخبار علاجیه شامل این مورد نخواهد بود.

توضیح اینکه، یکی از روات می­گوید ابو بصیر از امام7­وجوب نماز جمعه را نقل ­کرد اما دیگری می­گوید ابو بصیر عدم وجوب نماز جمعه را از امام7 نقل نمود، در اینجا تعارض در این است که ابو بصیر چه مطلبی را از امام7 بیان کرده است؟ زیرا ما یقین داریم ابو بصیر تنها یکی از این دو نقل را بیان کرده­ لکن نمی­دانیم کدامیک از این دو منقول ابو بصیر است[[2]](#footnote-2). یکی از مواردی که این اشکال وجود دارد در جایی است که اختلاف نسخه وجود داشته باشد؛ فلذا اختلاف نسخه داخل در اخبار علاجیه نیست. مثلا اگر روایت ابو بصیر در کافی مختلف نقل شده و در یک نسخه به یک شکل و در نسخه دیگر به صورت دیگر نقل شده باشد، اخبار علاجیه جاری نمی­شود.

بنابراین در بحث اخبار علاجیه اینکه راوی واحد و یا متعدد باشد، اثر گذار است برخلاف بحث سابق که در اکثر فروض آن اتحاد و یا تعدد راوی اثر گذار نبود و تنها در فرض پنجم احتمال[[3]](#footnote-3) اثرگذاری وحدت و یا تعدد راوی وجود داشت.

سوال: اگر زراره و ابو بصیر یک واقعه را از امام7 نقل کنند، در اینجا موافق و یا مخالفت عامه چگونه می­تواند مرجح باشد، زیرا نمی­توان گفت یکی از آنها تقیه­ای و دیگری تقیه­ای نیست؟ پاسخ: مرجحات اخبار علاجیه با یکدیگر متفاوتند یعنی برخی از آنها مربوط به صدور و برخی از آنها مربوط به جهت صدور و بعضی از آنها مربوط به مضمون و دلالت روایت می­باشد. در این بحث باید به این نکته توجه داشت که مرجحات صدوری بر خلاف سایر مرجحات جاری نمی­کردد[[4]](#footnote-4).

**وجه تقدم سند بر ظهور در دو روایت متعارض**

اما نسبت به بحث جمع عرفی در جایی که شک داشته باشیم که آیا مجلس، واحد و یا متعدد است، بحث چگونه خواهد بود؟ مقدمه عرض می­کنیم که در بحث جمع عرفی اگر مثلا دو روایت **اعتق رقبه** و **یستحب عتق رقبه** (که مثال پنجم بود) قطعی باشند، جمع آن اشکالی نخواهد داشت، اما اگر دو روایت ظنی باشند و با ادله حجیت سند حجیت این دو روایت اثبات شده باشد، این اشکال به وجود خواهد آمد که در جمع عرفی **نهایةً** با یک ظهور عرفی مخالفت می­شود و ظهور بدوی روایت اخذ نشده بلکه یک ظهور جدید

اخذ می­گردد. بحث این است که به چه دلیل ما سند هر دو روایت را قطعی فرض کرده اما در ظهور یکی از اینها یا هر دو تصرف می­کنیم[[5]](#footnote-5)؟ نکته اینکه سند قطعی گرفته شده و در ظهور تصرف می­شود چیست؟

یک بحث سختی در اینجا وجود دارد که ما به صورت مفصل در تعادل و تراجیح بحث کرده­ایم و در اینجا وارد جزئیات نشده بلکه تنها نکاتی از آن مباحث در اینجا بیان می­شود. ما در آن مباحث بیان کردیم که بین تصرف در سند و تصرف در دلالت ذاتا فرقی وجود ندارد ولی نوعا احتمال عدم صدور روایت و اشتباه راوی، از احتمالی که در جمع عرفی وجود دارد ضعیف­تر است. بازگشت بیشتر جمع عرفی­ها به برخی نکات خلاف اصل است که عرف زودتر به آن پایبند می­شود. مثلا در **اعتق رقبه** و **یستحب عتق رقبه**، اینکه **اعتق** ظهور در وجوب دارد به سبب ناظر بودن دلیل آن به یک حکم فقهی است، یعنی در یک حکم فقهی امر ظاهر در وجوب است. اما اگر دلیل ناظر به بیان حکم اخلاقی باشد، ظاهر در وجوب فقهی نخواهد بود، چرا که وجوب اخلاقی به این معنا می­باشد که **مامور به** شرط رسیدن به کمال است. اینکه ما در این روایت امر را ظاهر در وجوب می­گیریم به سبب قرینیت فضای فقهی روایت است و لذا ما به قرینه **یستحب عتق رقبه** از اینکه این روایت در فضای فقهی صادر شده رفع ید کرده و می­گوییم این حکم به جهت مباحث اخلاقی بیان شده است.

در واقع کلام محفوف به یک قرینه حالیه­ای­ بوده که دلالت بر اخلاقی بودن حکم روایت دارد لکن این قرینه به ما منتقل نشده است. شهید صدر; در بعض موارد می­فرماید: عدم انتقال قرائن حالیه این چنینی خلاف اصل نیست، لکن به نظر ما این کلام ایشان درست نیست چرا که عدم نقل قرائن حالیه خلاف اصل است، اما اگر قرینه­ای بر این خلاف اصل وجود داشته باشد، چندان احتمال بعید و دور از ذهنی نخواهد بود. اما اگر بگوییم یک راوی ثقه ضابط عادل (در صورتی که در حجیت خبر ما عدالت را شرط بدانیم) روایتی را که اصلا وجود نداشته به اشتباه نقل کرده و یا تعمد بر کذب داشته است، این احتمال بسیار بعید خواهد بود. یعنی به طور متعارف آن خلاف ظاهری که در جمع عرفی وجود دارد، کمتر از خلاف ظاهریست که نسبت به سند وجود دارد. به همین جهت نوعا جمع عرفی مقدم بر سند می­شود. فلذا ما در بحث جمع عرفی بیان کرده­ایم که طبق قاعده عقلائی جمع عرفی تنها در جایی صحیح است که میزان مخالفت ظاهر این جمع عرفی، از میزان مخالفت ظاهر در سند کمتر باشد.

بنده این بیان را در موقعیتی خدمت ابوی عرض کردم ایشان فرمودند: در صورتی که حجیت خبر ثقه بناء عقلاء باشد این کلام صحیح است، لکن اگر ما به تعبد خبر ثقه را حجت بدانیم مساله متفاوت خواهد بود. اما فرصت نشد از ایشان بپرسم فرق آن به چه نحو خواهد بود. اینگونه به ذهن می­رسد که تفاوت مساله در جایی

روشن می­شود که ما قائل به طریقیت خبر ثقه شویم یا قائل به موضوعیت آن گردیم. در صورتی که ما قائل به طریقیت محضه نسبت به خبر واحد شویم، همانند بناء عقلاء خواهد بود و تمام آن بحث­ها در اینجا جاری خواهد بود. اما اگر قائل به موضوعیت آن شدیم ( مثلا هدف شارع از اینکه خبر ثقه عادل را حجت قرار داده به این جهت است که عدالت در جامعه رواج پیدا کرده و عادل محترم شمرده شود) در این صورت اطلاق ادله­­ای که خبر ثقه را حجت می­داند منصرف به آن بناء عقلاء و نحوه بناء عقلاء نخواهد بود بلکه حجیت خبر یک حکم تعبدی خاص خواهد شد. در صورتی که خبر یک حکم تعبدی خاص باشد، ممکن است بگوییم دلیلی که خبر ثقه را حجت می­داند، آن را نازل منزله یقین کرده و ما را متعبد به آن می­کند و لذا برخورد ما با خبر ثقه باید همانند برخورد ما با یقین باشد و آن رفتاری که با یقین انجام می­گیرد باید با خبر ثقه انجام گیرد. به تعبیر دیگر در این صورت ادله حجیت خبر ثقه تعبد به جمع عرفی خواهد بود. اما اگر خبر طریقیت داشته باشد ناظر به همان بناء عقلاء و حکم عقلاء می­شود، یعنی باید ملاحظه گردد که طریقیت کدامیک از آنها اقوی است که به آن اخذ کرد.

نتیجه این بحث اینکه اگر ما قائل به موضوعیت داشتن خبر واحد بشویم، در این صورت معنای آن در واقع همان تعبد به جمع عرفی خواهد بود[[6]](#footnote-6).

**ارتباط وجه تقدم سند بر ظهور با بحث وحدت و یا تعدد روایت**

تمامی آنچه که در تقدم جمع عرفی بر بحث­های سندی بیان کردیم مقدمه این مطلب است که آیا آن بحث در اینجا نیز جاری می­شود یا نه؟ [ اگر آن بحث­ها در اینجا جاری شود در این صورت ] یا باید مخالفتِ ظاهرِ جمع عرفی از مخالفت ظاهر در التزام به عدم صدور **احد الخبرین** کمتر باشد و یا باید در دلیل صدور، جنبه موضوعیت دخالت داشته باشد. در صورتی که دلیل صدور جنبه موضوعی داشته باشد در این صورت لازم نیست **اقوی الحجتین** لحاظ شود، یعنی چه دلیل صدور اقوی باشد و چه نباشد، باید جمع عرفی نمود، زیرا اطلاق دلیل تعبد مقتضی این است که با این خبر معامله یقین شود. اما اگر دلیل جنبه موضوعی نداشته باشد، تنها در صورتی می­توان جمع عرفی را مقدم کرد که میزان مخالفت ظاهر جمع عرفی کمتر باشد.

مثالهایی که سابقا بیان کردیم باید با این دیدگاه بررسی شود. مثلا در **اعتق رقبه** و **اعتق رقبه مومنه**، اگر این خبر­ها در دو مجلس صادر شده باشد ما مطلق را بر مقید حمل می­کردیم، به این بیان که طبق مبنای معروف می­گوییم متکلم در بیان مطلق در مقام بیان نبوده و یا با فرض مقام بیان، به مصلحتی بیان قید را به قرینه منفصله واگذار کرده است. اما اگر این دو متصل [ و در یک مجلس بیان شده باشند ] در این صورت بحث زیاده الثقه در اینجا جاری خواهد بود؛ یعنی آیا در اینجا شهادت سلبیه و ایجابیه وجود دارد یا نه؟ و طبق

یک بیان آیا ما به قرینه شهادت ایجابیه، آن شهادت ایجابیه را به عدم شهادت بر­می­گردانیم یا نه؟ و یا طبق بیان دیگر، آیا می­گوییم که طریق آن شهادت ایجابیه نسبت به آن شهادت سلبیه قوی­تر است یا نه؟

لکن با توجه به آنچه گذشت می­گوییم اشتباه راوی نسبت به اصل صدور این دو خبر بسیار بعید است و در اینجا این احتمال وجود ندارد که راویِ عادلِ ضابطِ ثقه یک خبری را که اصلا وجود خارجی نداشته، نقل کند. ولی ممکن است یک نفر در تحمل جزئیات روایت اشتباه کرده باشد که این با اشتباه در اصل روایت متفاوت است. فلذا اگر راوی در اینجا مرتکب اشتباهی گردد، تنها نسبت به یک قید خاص اشتباه کرده است. یعنی اگر کسی از امام7 **اعتق** **رقبه** را نقل بکند شهادت سلبیه بر این مطلب دارد که این قید **مومنه** در کلام امام7 وجود نداشته است، حال اگر ما بخواهیم از این شهادت سلبیه رفع ید کنیم باید ببینیم که این شهادت مصداقا و حکما تا چه اندازه قوت دارد؟ و آیا می­توان گفت که در اینجا شهادت سلبیه وجود ندارد؟

نکته­ای که بنده در صدد بیان آن هستم این است که اگر ما یقین داشته باشیم که **اعتق رقبه** و **اعتق رقبه مومنه** در دو مجلس صادر شده ولی هر دو خبر ظنی باشد، امر دایر است بین اینکه بگوییم راوی یکی از این دو خبر، در اصل صدور اشتباه کرده و یا باید بگوییم این دو روایت صادر شده ولی باید بین آنها جمع عرفی نمود. از آنجا که احتمال عدم صدور بسیار کم است، احتمال دوم تعین خواهد داشت و لذا باید بین دو روایت جمع عرفی نمود. اما اگر این دو روایت مربوط به یک مجلس باشد، در این صورت هم با توجه به اینکه احتمال خطا در شهادت اصل روایت بسیار کم است یا باید بگوییم آن شهادت سلبیه معتبر نیست و یا باید بگوییم راوی اصلا شهادت سلبیه نمی­دهد.

در اینجا باید بین این دو احتمال مقایسه کرد یعنی باید بین این که اشخاص شهادت سلبیه نمی­دهند و بین مواردی که اشخاص مواردی را بیان کرده اما خصوصیات آن را ذکر نمی­کنند مقایسه نمود. در اینجا این احتمال وجود دارد که بگوییم کسی که یک قضیه را نقل می­کند در بیشتر موارد تنها به جنبه­های اثباتی روایت را بیان می­کند و به جنبه­های نفیی روایت کاری ندارد، به خصوص در جایی که آن قید از قرائن حافّه کلام و یا از قرائن لبیه باشد که در این صورت اصلا شهادت سلبیه وجود نخواهد داشت. این احتمال نیز وجود دارد که بگوییم در اینجا شهادت سلبیه وجود دارد ولی این شهادت سلبیه معتبر نیست، زیرا طریقیت شهادت ایجابیه نسبت به واقع، ضعیف­تر از شهادت سلبیه است[[7]](#footnote-7) و به همین جهت باید شهادت سلبیه کنار گذاشته شود.

بنابراین بحث در اینجا این است که آیا احتمال مخالفت ظاهری که در جمع عرفی وجود دارد ضعیف­تر است، یا احتمال اشتباه راوی در جزئیات؟ لکن ممکن است بگوییم این احتمالات مساوی هستند و اینگونه

نیست که احتمال تساوی در آن موجود نباشد. به همین جهت نمی­توان این دو احتمال را به راحتی با یکدیگر مقایسه کرد.

سوال: اینجا فرض تعدد روایت است نه فرض شک؟ پاسخ : نخیر، در اینجا شک داریم. یعنی اگر روایات متعدد باشد در آنجا جمع عرفی انجام می­گیرد و اگر روایات واحد باشد بحث شهادت سلبیه و ایجابیه جاری می­شود. بحث در اینجا این است که به کدامیک از این دو احتمال باید ملتزم شد. اگر هر دو روایت طریقیت داشته باشد، در صورتی که مجلس واحد باشد، ما [به جهت تقدم شهادت ایجابی بر شهادت سلبی] به روایت **اعتق رقبه مومنه** اخذ می­کنیم و در صورتی که متعدد باشد، به دلیل جمع عرفی به روایت **اعتق رقبه مومنه** اخذ می­نماییم. در اینجا امر دایر است بین اینکه آیا این دو روایت در یک مجلس صادر شده یا مربوط به دو مجلس می­باشد. اگر در دو مجلس صادر شده باشد، جمع عرفی می­کنیم و اگر مربوط به یک مجلس باشد، در این صورت بحث شهادت سلبیه و ایجابیه جاری می­شود. بحث در اینجا این است که آیا طریقیت شهادت سلبیه قوی­تر است یا طریقیت اصاله الظهور؟

این مباحث مورد بحث و بررسی قرار نگرفته و نیاز به تامل دارد.

**و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد**

محققین گرامی می توانند همه روزه دروس استاد (حفظه الله) را در کانال های ذیل پیگیری نمایند.

(فقه)https://telegram.me/mjshobeiri

(اصول الفقه) https://telegram.me/mjshobeiri2

1. البته فواید دیگری نیز در این مساله وجود دارد ولی این دو فایده عمده می­باشند. [↑](#footnote-ref-1)
2. سوال: اخبار علاجیه اخبار با واسطه و بی واسطه را شامل می­شود؟ پاسخ: یاتی عنکم الخبران المتعارضان ظهور در خبر مستقیم دارد و اخبار با واسطه در صورتی که به خبر مستقیم برسد مشمول اخبار علاجیه خواهد بود. اخبار با واسطه نقل کلام معصوم7 نیست بلکه مثلا نقل کلام زراره می­باشد.

سوال: .... ؟ اخبار علاجیه شامل وحدت مجلس هم می­شود مثلا اگر نسبت به یک واقعه­ای زراره بگوید امام7 این کلام را بیان کردند، اما ابو بصیر بگوید امام7­به شکل دیگری بیان نمودند، در این صورت خبران متعارضان صادق بوده و اخبار علاجیه شامل این مورد می­شود حتی اگر راوی واحد یک روایتی را از مجلس واحد، به دو صورت مختلف نقل کند، باز هم مشمول اخبار علاجیه خواهد بود. بحث در این است که دو راوی کلامی را از یک راوی واحد نقل می­کنند و ما می­دانیم که آن راوی تنها یک صورت را بیان نموده است یعنی اختلاف در این است که آیا ابو بصیر این روایت را به این نحو بیان کرده یا به شکل دیگر بیان نموده است. اختلاف نسخه نیز به همین شکل است یعنی یک ناسخ می­گوید روایت ابی بصیر به این شکل است اما ناسخ دیگر می­گوید روایت ابو بصیر به وجه دیگری می­باشد، در اینجا ما می­دانیم که مرحوم کلینی; تنها یکی از این دو وجه را ثبت کرده است. بنابراین در اختلاف نسخه اخبار علاجیه جریان نخواهد داشت. [↑](#footnote-ref-2)
3. در جلسه گذشته در بیان فرض پنجم ما اثرگذاری وحدت و یا تعدد راوی را به نحو قطعی بیان نکردیم. [↑](#footnote-ref-3)
4. سوال: آیا در رابطه با دو خبر متعارض نباید همه مرجحات جاری شود؟ پاسخ: نخیر، زیرا نکات مرجحات مختلف است و در یک مورد ما شک در صدور داریم اما در مورد دیگر ما بعد از قطع به صدور ( و لو تعبدا ) شک در سایر جهات روایت می­کنیم. به عبارت دیگر اگر چه برخی از روایات ذاتا چنین باشند اما با توجه به نکته عقلائی که در تعلیل وجود دارد می­توان الغاء خصوصیت کرد. [↑](#footnote-ref-4)
5. مثلا در دو روایت اعتق رقبه و یستحب عتق رقبه در ظهور یک روایت تصرف انجام می­شود اما نسبت به دو روایت اعتق رقبه و صم ستین یوما در هر دو روایت تصرف انجام می­گیرد. [↑](#footnote-ref-5)
6. سوال: آیا یعنی به دو تعبد نیاز داریم .... ؟ پاسخ: نه این اشکال شما مربوط به یک ان قلت و قلتی است که بنده در اصول به آن پرداخته­ام و اکنون نمی­خواهم وارد آن بحث بشوم. ادله حجیت ظهور مثل ادله حجیت سند نیست زیرا ادله حجیت سند تعبد به جمع عرفی است دون العکس. بنده نسبت به این کبری در تعادل و تراجیح به صورت مفصل بحث کرده­ام. [↑](#footnote-ref-6)
7. به نظر می­رسد کلمه شهادت سلبیه و کلمه شهادت ایجابیه در کلام استاد جا به جا بیان شده باشند. [↑](#footnote-ref-7)